

## ما آشوبگر بودیم!

امین‌الله دهقان: سال ۶۸ در اردوگاه ۱۷ حدود یک هزار و دویست نفر اسیر بودیم، تا آن روز فقط شنیده بودیم که فردی به نام حاج آقای ابوترابی هستند که در اردوگاه‌ها از اسرا مراقبت کرده و به وضعیت آنها رسیدگی می‌کنند.



**عکسها از حسن شکیب‌زاده، استقبال مردمی از ورود سیدزادگان به وطن**

بچه‌های اردوگاه ما، به شورشی‌ها معروف بودند و ما را اغتشاشگر می‌دانستند، به طوری که قصد داشتند به مرور زمان همه ما را از بین ببرند. این موضوع به گوش مسئولین ایران رسیده بود و مسئولین ایرانی به صلیب سرخ اطلاع داده بودند

**\*در اکثر اردوگاه‌های خارجی، اسرا به مرور زمان روانی شده و بسیاری از آنها هم دست به خودکشی می‌زنند، چرا که همه خواسته‌هایشان مادی است، اما در عراق این طور نیست و ما از هر اسیری که سؤال می‌کنیم چه می‌خواهید، بحث کتاب دعا و قرآن را مطرح می‌کنند**

اگر اتفاقی برای بچه‌های ما بیفتد ۲۷ هزار از اسرای عراق را ناپود خواهیم کرد.

این تهدید ایران باعث شدکه نیروهای صلیب سرخ به عراق بیایند و از اردوگاه ما بازدید کنند.

در این اردوگاه ما مشکلات زیادی داشتیم و اسرا را شکنجه‌های وحشتناکی می‌کردند، از طرفی جمع بچه‌های این اردوگاه به دو بلوک تقسیم شده بودند که یکی از بلوک‌ها افسراد بی‌تفاوتی، ضدانقلاب و منافقین بودند و بلوک دیگری که بچه‌های حزب الهی و بسیجی و معتقد به نظام بودند.

آن روزها ما می‌شنیدیم که حاج آقای ابوترابی هر اردوگاهی که بروند، آرامش و آسایش به آن اردوگاه می‌رود و بچه‌ها از شکنجه‌ها و سخت‌گیری‌های عراقی‌ها راحت می‌شدند.

در شرایطی که قساوت قلب و وحشیگری‌های عراقی‌ها به اوج خود رسیده بود، خبر دادند که آقای ابوترابی به‌زودی به اردوگاه ما می‌آیند. و ایشان خلاصه به اردوگاه ما آمدند، وقتی ایشان وارد شدند، آنقدر که عراقی‌ها او را می‌شناختند و تحویل می‌گرفتند، ما نسبت به ایشان شناخت نداشتیم.

از آمدن حاج آقا به اردوگاه ما یک ماهی نگذشته بود که بر اثر برخورد‌های اسلامی و خوب حاج آقا، جو اردوگاه کاملا

دگرگون شده بود، ایشان به همان میزانی که با ما بودند، به همان میزان هم به سراغ بچه‌های بلوک مخالفان ما می‌رفتند و با آنها نشست و برخاست داشتند. شخصی به نام "امر" مسئول بلوک ما بود که بیش از ۲ متر قد داشت با چهره وحشتناک که سخت‌ترین شکنجه‌ها را

رئیس صلیب سرخ جهانی دوران دفاع مقدس:

## اگر در دنیا فقط ۵ نفر سیاستمدار مثل ابوترابی داشتیم، دنیا اصلاح می‌شد

قسمت دوم و پایانی

نشناخته‌ای، ما انگشت کوچیکه او هم نمی‌شویم، ما کی باشیم که با امام مقایسه شویم؟

**\*بازگشت آرامش به اردوگاه**

غلامرضا مظفری: معمولا در اسارت به اشکال مختلف اسرا را شکنجه داده و با مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. یکی از روزها در اردوگاه موصل ۴ شلوغ شده بود و سربازهای عراقی بچه‌ها را در دو ستون ردیف کرده و درحالی که شلاق در دست داشتند از وسط این دو صف عبور کرده و با ضربات شلاق به بدن اسرا می‌زدند.

در جریان این ضرب و شتم، قلاب شلاق یکی از سربازان عراقی به چشم یکی از رزمندگان اهل بهیمان خورد و چشم وی از کاسه‌اش بیرون افتاد درحالی‌که بچه‌ها حرکت آن را روی زمین می‌دیدند.

این اتفاق که افتاد بچه‌ها به خشم آمده و شروع کردند به شعار دادن علیه صدام و حمله به طرف عراقی‌ها که آنها بلافاصله فرار کرده و از آسایشگاه بیرون رفتند، اما بچه‌ها که واقفا خمسگین شده بودند درهای آسایشگاه را از جا کندند و به داخل محوطه پرتاب کرده و وارد محوطه اردوگاه شده و با شعارهای الموت لصدام خود، رعب و وحشتی در جان عراقی‌ها انداختند که آنها مجبور به تیراندازی هوایی، سپس تیراندازی به سوی اسرا شدند که منجر به شهادت چند تن از دوستانمان شد.

بچه‌ها که کمی ساکت شدند فرمانده اردوگاه آمد و خطاب به اسرا گفت: شما چه می‌خواهید؟ بچه‌ها به اتفاق هم اعلام کردند: حاج آقای ابوترابی را که آنها هم بلافاصله رفته و ایشان را آورند.

شاید باورش سخت باشد، اما به محض ورود ایشان به اردوگاه، انگار آبی را بر روی آتش ریختند، بچه‌ها ابتدا با شعارهای یکپارچه صل علی محمد یار امام خوش آمد ز ایشان استقبال کرده و سپس همه ساکت شده و به حرف‌ها و نصائح حاج آقا گوش دادند و یکبار دیگر آرامش به اردوگاه بازگشت.

**\*نقطه اشتراک!**

علی یرلی: روزهای اولی که در اسارت بودیم، در بین بچه‌ها مطرح شده بود که نیروهای صلیب سرخ کافر و مشرک هستند

و حتی نباید با آنها دست داد.

یک روز که صلیب‌ها آمدند به اردوگاه، دیدیم که حاج آقا ابوترابی نشستته و با آنها غذا می‌خورند، با دیدن این صحنه عصبانی شده و بعدا به سراغ حاج آقا رفته و گفتیم: یا توجه به

**\*بچه‌ها در حال قرآن خواندن بودند که احمد شکنجه گر وارد آسایشگاه می‌شود تا طبق معمول حاج آقا را برای شکنجه ببرد. اما وقتی می‌بیند همه دارند قرآن می‌خوانند عصبانی شده از نگهبانان می‌پرسد چرا این‌ها قرآن می‌خوانند و شما جلوی کار آنها را نمی‌گیرید؟ نگهبانان عراقی هم می‌گویند: این‌ها برای خواهر شما که فوت کرده است دارند قرآن می‌خوانند**

این که این‌ها مشرک هستند شما چه طور با آنها سر یک میز

غذا می‌خورید؟

حاج آقا فرمودند: ما باید با رفتار و کردار خود، اسلام را به آنها معرفی کنیم و این امکان پذیر نیست مگر با ایجاد جاذبه، از طرفی این‌ها هم مثل ما یک خدا دارند و خدا را به خداوندی قبول دارند و ما هم باید از همین نقطه اشتراک استفاده کرده و اسلام را به آنها معرفی کنیم.

حسن شکیب‌زاده

## ساعت کاری میادین و بازارهای میوه و تره‌بار در ۶ ماه دوم سال

مدیر روابط عمومی سازمان مدیریت میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران درباره ساعت کاری میادین و بازارها در ۶ ماهه دوم سال ۱۴۰۱ گفت: ساعت کاری میادین وبازارها در شش ماهه دوم سال نسبت به ۶ماهه اول مقداری متفاوت‌تر است و خدمات رسانی به شهروندان به بهترین نحو انجام می‌شود.

مصطفی پورنصیری افزود: در روزهای عادی از ساعت ۸ صبح الی ۱۳ و ۱۴:۳۰ از ۱۹ در خدمت شهروندان محترم هستیم تا خدمات باکیفیتی را ارائه دهیم. به گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران، پورنصیری افزود: در روزهای جمعه و ایام تعطیل نیز از ساعت ۸ صبح تا ۱۳ میادین و بازارهای سازمان مدیریت میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران ارائه خدمت می‌کنند.

**آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی شرکت بسپار توسعه باران (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۴۷۱۱۶۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۵۵۸۲۸۷**
بدینوسیله از کلیه اعضاء هیات مدیره و سهامداران شرکت فوق دعوت میشود که در جلسه مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۰۷/۱۰/۱۴ که به نشانی تهران، بلوار افریقا، پلاتز از قاطع عبره،ماده، پی بست قبادیان شرقی، پلاک ۱۷، طبقه ۱۷، واحد ۱۲ تشکیل میگردد، حضور بهم رسانند.
**دستور جلسه :** تغییرات مبالغ سهام سهامداران و تغییر و خروج سهامدار و تغییر و اصلاح اساسنامه و تعیین سمت اعضا هیات مدیره
**هیات مدیره شرکت بسپار توسعه باران**

**آگهی مزایده عمومی مرحله چهارم – نوبت دوم**
شهرداری بندر ماهشهر به استناد مجوز شماره ۲۰۰۵/ش مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ ۱۴۰۰ شورای اسلامی شهر یک دستگاه جرثقیل برچی (تاور کرین) مدل ۴۲۷ مستعمل را با شرایط زیر از طریق مزایده عمومی به فروش می رساند.
۱- قیمت پایه ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.
۲- اسناد مزایده از مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۲ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی Setadiran.ir واقع در کوی انقلاب – بلوار شهرداری ارانه و پاکت تا مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۴ ساعت ۱۸ بارگذاری شود.
۳- بازگشایی پاکت ها مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۴ می باشد.
۴- پیشنهادهندگان می بایست جهت تضمین شرکت در مزایده پنج درصد مبلغ اولیه (۱۷۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال) را به یکی از دو طریق زیر ارائه نمایند:
الف- فیش واریز مبلغ فوق به حساب سبسیا ۰۳۰۲۹۴۱۶۷۰۰۱۰۵ شهرداری بندرماهشهر نزد بانک ملی شعبه شهرداری بندرماهشهر.
ب- ضمانت نامه بانکی به نام شهرداری بندرماهشهر و به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها.
۴- پرداخت هزینه روزنامه، کارشناسی و در صورت نیاز سند به عهده خریدار می باشد.
۵- از تاریخ ۱۴۰۱/۵/۱۵ دستگاه مورد نظر از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۳ در مجتمع تولیدی شهرداری بندرماهشهر واقع در انتهای خیابان طالقانی آماده بازدید می باشد.
۶- هزینه کارشناسی، درج آگهی در روزنامه و نقل و انتقال سند به عهده برندگان مزایده می باشد.
۷- به پیشنهادهای مخدوش، مبهم و زیر قیمت پایه ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۸- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
۹- متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۲۴ – ۰۶۱۵۲۲۵۰۰۲۲ یا به آدرس www.mahshahr.ir حاصل نمایند.

**حسین صفری – شهردار بندر ماهشهر**

### جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

جهربو جنگ

### جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی